

طراحی مقدماتی برای ایران‌شناسی نظام‌یافته (۲)

حسن حبیبی*

بخش اول این مقاله در شماره ۴۰ نامه فرهنگستان منتشر شد و، در آن، شرح پاره‌ای از مطالب مربوط به ایران‌شناسی اختصاصی به مقاله دیگری موقوف گردید و فهرستی از آنها در پایان مقاله داده شد. اینک پاره دوم مقاله، با ادامه کدبندی پیشین، عرضه می‌شود.

۳-۱۴ ایران‌شناسی آئینی و ملل و نحل

در این مبحث، شهر و روستا، دقیق‌تر بگوییم، روستا و شهرهای کوچک و متوسط و بزرگ را باید از یکدیگر جدا و هر یک را با وسایل سنجش خاص آنها مطالعه کرد. در روستا مطالعه میدانی و مصاحبه با اهالی باید مد نظر باشد، حال آنکه در شهرهای کوچک و متوسط، هر چند مطالعه میدانی دارای اهمیت بسیار به نظر می‌رسد، روش‌های دیگر از جمله بررسی اسناد و مدارک محفوظ در مراکز اسناد توصیه می‌شود. در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها، آنچه در مطبوعات و نوشته‌ها به ویژه داستان‌ها و نظایر آنها آمده است مهم است. مراسم مذهبی همچنین شعایر آئینی ناآشکار آن را در گوشه و کنار روستاها می‌توان سراغ گرفت. مسجد در روستا حکم خانه فرهنگ را دارد و همچنان محل مشورت‌ها، برخی دید و بازدیدها، بعضی معاملات، و یافتن برخی راه‌های اداره روستاست یا، در آن، خاطرات مربوط به این امور پیش از تشکیل شورای روستا و امثال آن حفظ شده

* عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رئیس بنیاد ایران‌شناسی

است. مسجد و آقای ده هنوز از احترام بالایی برخوردارند و بسیاری از مشکلات، از روی قاعده، باید به دست او حل شوند. بعضی مراسم سنتی شاخص از جمله مراسم ازدواج و وفات با مسجد رابطه نزدیک دارند. مرکز عزاداری‌های مرسوم سالانه در ماه‌های محرم و صفر مسجد است. اگر روستا دارای امامزاده یا زیارتگاهی از این نوع باشد، آن هم مرکز تجمع دیگری برای روستائیان می‌گردد. روستائینی که به شهر مهاجرت کرده‌اند، در هنگام بازدید از روستا، رفتار خاص سابق خود را با مسجد و امامزاده حفظ کرده‌اند و، اگر هم حفظ نکرده باشند، فرض این است که بیشتر احساس ناراحتی و نوعی گناه می‌کنند. باید دید آیا این فرض مصداق دارد یا ندارد. علاوه بر شعایر مذهبی و رفتارهای سنتی، باید روابط انسانی را با تعلیمات مذهبی مرسوم بررسی کرد و دید که روستائیان تا چه اندازه به آنها پابندند و تاریخچه روستا در این زمینه چه روایت و حکایتی دارد. همچنین شایسته است مطالعه شود که شهرگیری دارای چه مقتضیاتی است و کسانی که از روستا به شهر مهاجرت کرده‌اند چه دریافت‌هایی پیدا کرده‌اند و در باورهای کسانی که سابقه دیگری دارند چه تغییراتی رخ داده است. دریافت اهالی مناطق روستا و شهر از مقولات مهمی چون طبیعت، انسان، ماورای طبیعت چیست؛ سازماندهی مذهبی در فرق و مذاهب شیعه و سنی و اقلیت‌های دینی چه صورتی دارد؛ با ماکن مذهبی چگونه برخورد می‌شود؛ رفتار نسبت به دولت و حکومت و نیز رفتار با فرقه‌های غیرهم‌مذهب چگونه است؛ اقتصاد و مفاهیم اقتصادی چگونه تعریف می‌شود؛ اخلاق مذهبی و اجرای احکام آن چه جایگاهی دارد و افراد از آنها چه دریافتی دارند؛ با هم‌مذهبان و غیرهم‌مذهبان کشورهای دیگر چگونه رفتار می‌شود و اصولاً با بیگانگان چه رویکرد و از آنان چه دریافتی وجود دارد. اینها و مقولاتی دیگر از این قبیل که با مذهب ارتباط دارند همگی می‌توانند و باید موضوع ایران‌شناسی آئینی قرار گیرند. البته، همواره باید زمان و مکان دقیقاً تعریف شوند و پژوهش در چارچوب آنها صورت گیرد.

۳-۱۵ ایران‌شناسی معرفتی

معرفت یا شناخت از پیچیده‌ترین مفاهیم در فلسفه و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و، به تبع آنها، در مباحث ایران‌شناسی است. لذا آنچه در اینجا می‌آید باید به لحاظ علمی و فنی به شرح و بسط گرایش یابد. معرفت یا شناخت، که نتیجه کار و فعالیت مغز است،

به چند نوع تقسیم می‌شود. انواعی از آن، در دوره‌هایی قوت بیشتری می‌یابد یا ضعیف‌تر می‌گردد و هم انواعی از آن، در روند تحوّل جامعه، خصایص متفاوتی پیدا می‌کند. برای نمونه، معرفت علمی، از چند قرن پیش، بر اثر تحولات ناشی از نظریات جدید یا اکتشافات مهم، نقش تعیین‌کننده در سرنوشت جوامع انسانی کسب کرده است. معرفت نسبت به جامعه و شناختی که هر جامعه از جوامع دیگر پیدا می‌کند، در اثر دگرگونی‌های شگفت‌انگیزی که در زمینه ارتباطات و داده‌پردازی و رایانه پدیدار شده است، یکسره دگرگون گشته است. پیشرفت‌های سریع و معجز‌آسای علمی و فنی باعث شده است که افراد انسانی در سراسر جهان دم به دم در جریان اتّفاقات قرار گیرند و اعضای همه جوامع انسانی این امکان را پیدا کنند که لحظه به لحظه با یکدیگر در ارتباط باشند. در چنین شرایطی، شناخت دیگری به شناخت دیگری همسایه و نزدیک محدود نمی‌گردد بلکه به شناخت دیگری هر کشور و دیگری در سراسر جهان گسترش یافته است. انواع شناخت را اجمالاً به صورت زیر می‌توان دسته‌بندی کرد: شناخت عالم خارج؛ شناخت دیگری، دیگران یکجا («ما»)، و گروه‌ها و جوامع؛ شناخت احساس مشترک در جامعه؛ معرفت فنی؛ معرفت سیاسی؛ معرفت علمی؛ و، سرانجام، معرفت فلسفی. - معرفت به عالم خارج متضمّن تحصیل تصویری کامل از جهان خارج در حیطه زمان و مکان است.

- شناخت دیگری و ما و گروه‌ها و جوامع بیشتر مربوط به زمان و مکان معاصر است. در این شناخت، انسان در سراسر جهان بیش و کم به عنوان فرد درخور اعتنا شمرده می‌شود؛ حال آنکه، در گذشته برخی گروه‌ها نادیده گرفته می‌شدند و برخی گروه‌ها و فرقه‌ها خصوصیت‌های خود را تنها در درون گروه و فرقه ظاهر می‌ساختند. - شناخت احساس مشترک مجموعه شناخت‌هایی است که به شخص اجازه می‌دهند خود را در جامعه‌ای که هست هماهنگ با دیگران سازد و از جمع به دور نیفتد. این نوع شناخت در جوامع کوچک روستائی قدیم بود که کارائی بیشتری داشت حال آنکه، در عصر ما، در عرصه خانواده و گروه‌های محدودی که از منافع خاص خود دفاع می‌کنند فعال‌تر است.

- معرفت فنی تنها شناخت وسایلی نیست که برای رسیدن به هدفی معین

به کار می‌روند بلکه معرفت به تمامی روش‌های دستیابی به فعالیت‌هایی است که هدف آنها تسلط بر طبیعت، بر آدمی، و بر جامعه است. این معرفت می‌خواهد بسازد، ویران کند، نگاهبانی کند، سازماندهی و برنامه‌ریزی کند، ارتباط برقرار سازد، و سرانجام نشر یابد.

– معرفت سیاسی نوعی خاص از باید و نبایدها را در ساختار جامعه شکل می‌دهد. این معرفت درباره‌ی زمان حال و آینده و احیاناً گذشته اظهار نظر می‌کند، در حدّ بالایی جانب‌دار و از بی‌طرفی به دور است، عملاً معرفت‌های نظیر و رقیب خود را نفی می‌کند و مرزبندی‌های قاطعی میان خود و دیگران را در بر دارد.

– گرایش معرفت علمی به بی‌طرفی، عدم توجه به منافع شخصی، به ثمر رساندن تجربه‌ها، سازماندهی، و تعامل نظر و عمل است و، در عصر حاضر، با معرفت فنی همراهی و همکاری دارد. معرفت علمی در جوامع گوناگون، همانند دیگر معرفت‌ها، در مراتب متعدد جای می‌گیرد.

– معرفت فلسفی هر آنچه را که به ماورای طبیعت، خالق هستی و، به طور کلی، امر متعال همچنین مسائل کلامی مربوط است در بر می‌گیرد. این نوع معرفت نیز، در هر عصری، به لحاظ اهمیت در مرتبه‌ای خاص قرار می‌گیرد.

ایران‌شناسی معرفتی را از دو منظر تاریخی و معاصر باید مطالعه کرد. منظر تاریخی نیز ممکن است به ادوار متعدد تقسیم شود و، در هر دوره، مطالعه مسائل خاص در دستور قرار گیرد. در این منظر، بیشتر یا تمامی بررسی کتابخانه‌ای است بدین معنی که، از این منظر، معرفت را در کتاب‌های سیاسی و اجتماعی و بیشتر کلامی و عرفانی باید جست‌وجو و دسته‌بندی کرد.

در منظر معاصر، مصاحبه و گردآوری داده‌ها به وسیله پرسش‌نامه بر اساس تقسیم‌بندی تفصیلی انواع معرفت‌ها باید با بررسی کتابخانه‌ای (مجموعه کتاب‌ها، مجله‌ها و روزنامه‌ها) توأم گردد.

۱۶-۳ ایران‌شناسی حیات اخلاقی

در این مبحث، دو نوع مطالعه را باید مد نظر داشت. نوع اول مطالعه درباره مسائل و امور اخلاقی، به تعبیر دیگر، اخلاقیات مکتوب و نظری است. این بخش از اخلاقیات در کتاب‌های اخلاقی فراوان موجود به زبان فارسی مندرج است و خود به دو دسته

اخلاقیات ایران پیش از ظهور اسلام و عصر اسلامی تقسیم می‌شود. در هر یک از این دو مجموعه می‌توان به بررسی پرداخت. شایسته است از مطالعه تطبیقی این دو عجالاً پرهیز شود اما می‌توان در اخلاقیات عصر اسلامی ادوار گوناگون به کار تطبیقی پرداخت. در این حوزه، علاوه بر مطالعه کتابخانه‌ای، باید عناوین عمده سلوک اخلاقی را فهرست و به دو صورت کتابخانه‌ای و پژوهش میدانی به دو روش زیر بررسی کرد.

— یکی از عناوین عمده سلوک اخلاقی را اختیار و، از طریق مصاحبه و پرسش‌نامه، در یک یا چند شهر و روستا مطالعه کرد یا به مقایسه نتایج در یک شهر یا یک روستا و یا چند شهر و چند روستا دست زد.

— همه عناوین عمده سلوک اخلاقی را در جامعه‌ای معین (جامعه آماری) مثلاً یک شهر یا یک روستا بررسی کرد. در این بررسی، علاوه بر مصاحبه و گردآوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه که اساس کار است، می‌توان و شاید لازم باشد به کتاب‌های معاصران درباره مسائل اخلاقی رجوع کرد و تفاوت واقعیت و نظر یا نظرها را سنجید. آنچه در این باب اهمیت دارد طرز عمل و رفتار اهالی شهر یا روستاست یعنی تحقیق در این امر که شهرها و روستاهای ایران امروزی به لحاظ اخلاقی در چه وضعی هستند.

۱۷-۳ ایران‌شناسی حقوقی

نخست باید به این نکته اساسی توجه کرد که حقوق هر کشور یا هر جامعه در قواعد و مقررات قانونی و مصوبات دولتی خلاصه نمی‌شود. در جامعه‌ای مانند ایران، بسیاری از عرف و عادت‌ها و قواعد و احکام شرعی غیرشعی یعنی قواعد و احکام شرعی اهل سنت همچنین اقلیت‌های دینی را، که به متون مکتوب منحصر نیستند، باید جزء حقوق اعضای جامعه دانست. بنابراین، هر یک از مقولات حقوقی — برای مثال، خانواده، اهلیت، قواعد و مقررات جزائی، تجاری — مبحثی جداگانه برای مطالعه و تحقیق ایران‌شناختی‌اند. در این مطالعه، باید به تاریخ هر یک از این نهادها توجه شود. همچنین، در برخی موارد، به کار تطبیقی نیز باید توجه کرد. درباره فولکلور حقوقی پیش‌تر نکاتی را یادآور شدیم. فهرستی که در مقاله «فولکلور حقوقی»^۱ آورده‌ایم، راهنمای مقدماتی

(۱) حبیبی، حسن، آینه حقوق: مناظری از حقوق بین‌الملل، حقوق تطبیقی و جامعه‌شناسی، انتشارات کیهان، تهران ۱۳۶۷، ص ۳۰۸-۳۴۷.

برای پژوهش‌های گسترده ایران‌شناسی حقوقی خواهد بود. به حقوق ایران پیش از ظهور اسلام همچنین به موارد التقاطی و تأثیر حقوق غرب بر حقوق ایران به ویژه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و به خصوص در مسائل بین‌المللی از جمله اقتصاد و روابط بازرگانی در مقیاس جهانی باید توجه شود.

۳-۱۸ ایران‌شناسی هنر

ایران‌شناسی هنر، همانند ایران‌شناسی معرفتی، دارای پیچیدگی‌هایی است که امر مطالعه و پژوهش را بیش و کم دشوار می‌سازد. ایران‌شناسی عمومی هنر، که تمامی رشته‌های هنری را در بر می‌گیرد، تخصص میان‌رشته‌ای بسیار پیچیده‌ای است. پژوهشگری که بخواهد به این مقوله بپردازد باید با همه رشته‌های هنری - معماری، موسیقی، نقاشی، سینما و ... دست کم آشنائی اجمالی داشته باشد. محقق در رشته‌ای معین نیز، با توجه به وجود مکتب‌ها و مشرب‌های گوناگون، باید یا یکی از آنها را برگزیند یا حداقل مکتب‌ها و مشرب‌های عمده را بشناسد.

نکته‌ای که یادآوری آن در همه حوزه‌های ایران‌شناسی ضرورت دارد این است که، در همه مباحث ذیل عنوان ایران‌شناسی آنچه موضوع مطالعه قرار می‌گیرد لزوماً و صرفاً باید ایرانی باشد و عنصری ایرانی آن را پدید آورده یا عرضه کرده باشد. این معنی در هنر نیز صدق می‌کند چون بنا داریم در ایران‌شناسی هنر ایرانی پژوهش و مطالعه کنیم. هنر به ویژه معماری، که آثار آن در کشور از دیرباز به یادگار مانده، می‌تواند گوشه‌های عمده و درخور توجه حتی بسیاری از نکته‌های نانوشته تاریخ و تمدن ایران را بازگوید. بنابراین، باید این آثار را همه‌جانبه و نه فقط جزء یا پاره‌ای از اجزای آن را مد نظر قرار داد. برخی از مباحث که در ایران‌شناسی هنر می‌توانند موضوع پژوهش قرار گیرند به شرح زیرند:

- ایران‌شناسی هنری دوره‌های متعدد و تحلیل روابط آفرینندگان آثار هنری هر دوره و گروه بهره‌گیرندگان از این آثار. هرچند در مباحث ما همواره باید جامعه کل در نظر باشد، در این باب دو گروه آفریننده و بهره‌گیرنده اهمیت اساسی دارند. وانگهی کار هنرمند حلقه اتصالی است میان گروه او و گروه بهره‌گیرندگان همعصر او و آینده و

همین خصلت کار هنرمند است که تأثیر آن را در آثار هنوز پدید نیامده دوره‌های بعد تضمین می‌کند و حایز اهمیت می‌سازد.

— ایران‌شناسی به لحاظ آثار هنری. در این پژوهش، باید صور هنری و نقش آنها را در هر دوره مطالعه و، در این مطالعه، به کل اثر هنری نه جزئی از آن توجه شود. بدین سان، فی‌المثل، در اثر معماری، نه به یک جزء، مثلاً طرح آن، بلکه به کل آن و همه عناصر آن باید پرداخت یعنی، در مطالعه آثار هنری، روش جامع‌نگر باید اختیار شود.

— ایران‌شناسی و وسایل بیان آثار. در این مبحث، نه اثر بلکه عناصر تشکیل‌دهنده اثر و ابزار و وسایل بیان است که موضوع پژوهش قرار می‌گیرد که باید فهرستی از آنها تهیه شود. در این مطالعه، همچنین به صور و اشکالی که در هر یک از فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بیشتر یا همواره اختیار می‌شود (شکل دیوار، گنبد، صحن...) و نیز به ارتباط اثر با زمان و مکان و هندسه آن باید توجه شود.

— مقام و موقع اثر هنری و محیط اطراف آن نیز دارای همان اهمیتی است که هماهنگی درونی اثر حایز است. در اثر معماری، معماری بناهای در دیدرس اطراف مهم است. معمار اثر، اگر این موقعیت را در نظر گرفته باشد، هماهنگی لازم را به گونه‌ای فراهم کرده است که تصرف در گوشه‌ای از آن بلافاصله احساس می‌شود و چه بسا به ویرانی اثر بینجامد. این مسئله در تاریخ معماری اخیر ایران شواهد متعددی دارد. یکی از آنها ساختمان جهان‌نما و میدان امام یا نقش جهان اصفهان است که چندین سال افکار فرهنگ‌دوستان را به خود مشغول ساخته بود.

در این مبحث نیز، ایران‌شناسی به دو بخش تاریخی و معاصر تقسیم می‌شود. در بخش تاریخی، آثار هنری و آنچه درباره آنها در گذشته و دوران معاصر نوشته شده باید دست‌مایه پژوهش قرار گیرد؛ در بخش معاصر نیز، در همین‌گونه عناصر اطلاعاتی همچنین چگونگی اجرا باید تحقیق صورت گیرد.

۳-۱۹ ایران‌شناسی ادبیات و زبان

نکته بسیار مهم در باب ایران‌شناسی ادبیات و زبان که هم از ابتدا باید به آن توجه شود این است که، در این مقوله، قصد و غرض شرح محتوای موضوعی ادبیات یا تقسیم‌بندی

موضوعی آن و یا تاریخ آن نیست. این قبیل مباحث در جای خود یعنی در تاریخ ادبیات، سبک‌شناسی، و نظایر آنها مطالعه می‌شوند. در بحث ایران‌شناسی، رابطه و وثیق محتوای ادبیات و مسائل مربوط به ایران و مردم آن و تاریخ آن منظور نظر است - مسائلی از این دست که مردم ایران چگونه فکر و زندگی می‌کنند؛ تعامل و تقابل آنان با دیگران به ویژه با خارجیان چگونه است؛ حد و مرزی که برای دین و آیین خود تعیین کرده‌اند کدام است؛ حق را چگونه می‌بینند و با باطل چگونه رفتار می‌کنند؛ برای خانواده چه ارزشی قایل‌اند و با آن چگونه رفتار می‌کنند؛ خلاصه هر آنچه در زندگی با خصلت ایرانی مطرح است در ادبیات، در شعر و نثر، در داستان و دیگر مظاهر ادبی چگونه عرض وجود می‌کند.

در این بحث نیز، مطالب به دو دسته عمده تاریخی و معاصر تقسیم می‌شود. کتاب‌ها و اسناد ادبی گذشته همه آنچه را که گفتیم و باید دسته‌بندی شوند گزارش خواهند کرد. در آنچه به دوره معاصر مربوط می‌شود، مندرجات متون باید با طرز عمل و رفتار ایرانیان مقایسه شود تا جنبه‌های اغراق‌آمیز نظرها تعدیل گردد.

عجالتاً مسائلی زبانی را نیز ذیل همین عنوان قرار می‌دهیم. در این عرصه، از ساختار صرفی و نحوی آنچه را به طرز عمل مردم و دخل و تصرف‌های در دستور زبان مربوط می‌شود و تنوع رفتارهای زبانی را پدید می‌آورد می‌توان مطالعه و بررسی کرد.

با توجه به این امر که در مناطق ایران، علاوه بر گویش‌های ایرانی، تعدد زبان نیز وجود دارد، مسئله چندزبانی بودن و عوارض آن اهمیت پیدا می‌کند و باید بررسی شود. این نکته نیز مهم است که چندزبانی بودن یا عدم تسلط گروهی از شهروندان بر زبان رسمی کشور یعنی فارسی معیار تا چه اندازه در تفهیم و تفهم سخن‌گویان اثر می‌گذارد و صدا و سیما در مناطقی که زبان بومی زبان فارسی نیست تا چه اندازه بُرد دارد و چگونه زبان معیار در این مناطق حضور خود را مسجّل می‌سازد و، در آنچه با زبان ربط دارد، جامعه‌پذیری در متن جامعه کُل (یعنی ایران) در هر منطقه دارای چه کیفیتی است.

۳-۲۰ ایران‌شناسی ادبیات داستانی

در این مبحث و نیز مبحث ادبیات کودکان، مراحل دوگانه ادبیات کهن و ادبیات معاصر جداگانه مطالعه خواهد شد. در ادبیات کهن، تنها از اسناد مکتوب می‌توان بهره جست. اما در ادبیات معاصر، علاوه بر متون، می‌توان و باید از پرسش‌نامه و مصاحبه یاری طلبید. داستان‌های کهن ایرانی، نه به سبک رمان‌های معاصر بلکه به صورت قطعات یا داستان‌های نسبتاً بلند، به نظم و نثر، ساخته و پرداخته شده‌اند. در این مقوله، به‌ویژه آثار حاوی قصه‌های عامیانه و عیاران و فتیان همچون سمک عیّار درخور ملاحظه و دقت‌اند. البته باز تأکید می‌کنیم که تنها به آنچه ایرانی است یا صبغه ایرانی دارد باید توجه شود.

در این بخش نیز، ادبیات پیش از ظهور اسلام یا آنچه به آن دوره مربوط می‌شود - صرف نظر از اینکه آنچه مربوط به دوره پیش از ظهور اسلام است، به مناسبت، در عصر اسلامی نیز می‌تواند درخور توجه باشد - بررسی می‌شود. در ادبیات داستانی کهن، به آداب کشورداری، رابطه حکومت و مردم، رفتار مردم با یکدیگر، روابط با جامعه‌های غیرایرانی و کشورهای همسایه دور و نزدیک، و نظایر اینها باید توجه شود. شایسته است ابتدا فهرستی از مباحث تنظیم و هر از چندی در آن تجدید نظر شود. در ادبیات معاصر، اعم از نظم و نثر و به‌خصوص نثر در صد سال اخیر، آثار داستانی فراوانی داریم که با ایران‌شناسی ربط پیدا می‌کنند. در این مقوله نیز، لازم است فهرست کاملی از مباحث تهیه شود که مبنای تحقیق قرار گیرد.

۳-۲۱ ایران‌شناسی کودکان و نوجوانان گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ادبیات کودکان و نوجوانان نیز، به اعتبار موضوع پژوهش ایران‌شناختی، به دو دسته کهن و معاصر تقسیم می‌شود. در ادبیات منظوم و منثور کهن، به کودک و نوجوان کمتر مستقلاً توجه شده است در عین آنکه شاعران و نویسندگان عموماً از کودک و نوجوان و مسائل مربوط به آنها غافل نمانده‌اند. فی‌المثل، در قابوسنامه و آثار نظامی و سعدی و متونی که در آنها به تهذیب اخلاق و تدبیر منزل و آداب تعلیم و تربیت پرداخته شده، مسائل کودکان و نوجوانان کمابیش مطرح گشته است.

در دوره معاصر، توجه نویسندگان به نگارش کتاب‌های خاص کودکان افزایش یافته است. هر سال عناوین متعددی درخور توجهی از این نوع، از تنظیم نوشته‌ها و قصه‌های کهن مانند عاق والدین و حسین‌گرد و امثال آنها گرفته تا قصه‌های کوتاه همراه با تصویر و یا قصه‌های بلندتر، چاپ و منتشر می‌شوند که، در شماری از آنها، یا تماماً به ایران و مسائل ایران پرداخته شده و یا این مسائل در جنب دیگر مطالب مطرح شده است. یادآوری می‌کنیم که، در این بخش، تنها آنچه به زبان فارسی تصنیف شده است باید منبع و مأخذ پژوهش باشد و ترجمه‌ها در این مقوله وارد نشوند.

۳-۲۲ ایران‌شناسی در زمینه تعامل یا تقابل فرهنگ و تمدن و فناوری

فرهنگ و تمدن ایران، به گونه‌ای که مردم ایران از دیرباز با آن سروکار داشته‌اند و هنوز نیز با بیشتر عناصر آن آشنایی و تعامل دارند، فرهنگ و تمدن دیرینه تاریخی آنان است.

فرهنگ و تمدن ساختار اجتماعی را قوام و دوام می‌بخشد و آن را استوار می‌دارد. هرگونه لطمه یا خللی که به عناصر این تمدن و فرهنگ وارد شود در ساختار اجتماعی اثر می‌گذارد و آحياناً آن را متزلزل می‌سازد. فناوری یا از دل فرهنگ و تمدن یک قوم برمی‌آید و با آن جفت و عجین می‌گردد یا خصلت عاریتی دارد. فناوری جدید ایران کمتر برخاسته از دل فرهنگ و تمدن سنتی آن است. در نتیجه باید تعامل یا تقابل آنها مطالعه شود و معلوم گردد که فناوری در چه زمینه‌هایی توانسته است با فرهنگ و تمدن بومی تعامل پیدا کند و این تعامل از کدام نوع است. آیا فرهنگ و تمدن ایرانی مسخر فنون وارداتی شده است یا، به عکس، فنون وارداتی با فرهنگ و تمدن ایرانی سازگار گشته‌اند. این بحث طبعاً فصول متعددی پیدا می‌کند که برخی از آنها گزارشگر نوعی تعامل، برخی بیانگر تقابل فرهنگ سنتی و فناوری نوین و قهر و غلبه یکی بر دیگری است، برخی نیز از التقاط این دو حکایت دارد. در اینجا، التقاط با روان‌شناسی جمعی و فردی نیز مربوط می‌گردد یعنی التقاط عناصر موجب نوعی ناسازی و عدم تجانس می‌گردد که در روان آدمیان اثر می‌گذارد. در برخی موارد نیز تقابل‌ها به آشفتگی‌های اجتماعی منجر می‌گردند.

یادآوری یا سفارش نهائی

بیشتر پژوهش‌های پیشنهادی را نمی‌توان تنها بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای استوار ساخت، هم از این رو که در بسیاری از مباحث مطرح شده مطالعات نظام‌یافته صورت نگرفته است و در همه آنها نیز بررسی جنبه تاریخی صرف کفایت نمی‌کند؛ هم از آن جهت که بسیاری از مباحث تا کنون از نظرگاه ایران‌شناختی و آنچه در جامعه ایران ظهور و بروز دارد مطرح نشده است، در نتیجه اثر مکتوبی درباره آنها یا از اصل وجود ندارد و یا اندک است و روشمند هم نیست. بنابراین، پژوهش میدانی روشمند و فراگیر را باید مد نظر قرار داد و برای آن برنامه‌ریزی کرد.

□

